

بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان گروه آموزشی زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد

الهام اخلاقی باقوجری^۱، (دانش‌آموخته دکتری زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول)
علی علیزاده^۲، (دانشیار گروه آموزشی زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)
ابوالقاسم قوام^۳، (دانشیار گروه آموزشی زبان و ادبیات فارسی دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران)

صص: ۱۴۱-۱۶۰

چکیده

تربیت نیروی انسانی متخصص، اشتغال‌زایی و استفاده از تخصص آنها از جمله دغدغه‌های اصلی نظام آموزش عالی است؛ اما گاهی تعادلی بین تعداد دانش‌آموختگان و شغل متناسب با تخصص آنها مشاهده نمی‌شود، یا دانش‌آموختگان چنان‌که شایسته است برای آن شغل متخصص نشده‌اند. لذا از وظایف دانشگاه‌ها و بالطبع گروه‌های آموزشی مربوطه، پیگیری و بررسی میزان کفایت و کیفیت آموزشی دانش‌آموختگان است. در این راستا، پژوهش حاضر به بررسی وضعیت دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی (در دو گرایش همگانی و آزفا) دانشگاه فردوسی مشهد در یک دوره ده‌ساله (۱۳۹۵-۱۳۸۵) پرداخته است. در بررسی اولیه‌ی تمام دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی در بازه مورد بررسی، افراد شاغل و غیر شاغل مشخص شدند. سپس با استفاده از دو روش نمونه‌گیری تصادفی و در دسترس، از میان شاغلین به کار، ۳۰ نفر برای شرکت در مصاحبه تلفنی ساختار یافته، انتخاب شدند. بر اساس نتایج حاصل از این پژوهش، میانگین ۸۳ درصد از دانش‌آموختگان این رشته جذب بازار کار شده‌اند که از این نظر در جایگاه نسبتاً خوبی قرار دارد. اکثر افراد رشته خود را آگاهانه انتخاب کرده‌اند و تفاوت معناداری در رابطه با میزان اشتغال به کار با جنسیت و همین‌طور مقطع تحصیلی افراد دیده نمی‌شود. در ۸۰ درصد از افراد، ارتباط شغلی با رشته تحصیلی وجود دارد، اما تنها ۳۳ درصد پایان‌نامه‌ها برای اشتغال به کار نویسندگان مفید و مرتبط تشخیص داده شده‌اند. همچنین در مورد ارتباط سرفصل و محتوای دروسی که دانش‌آموختگان گذرانده‌اند و کاری که به آن مشغول هستند، تنها ۵۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۴/۱۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۴/۰۸

پست الکترونیکی: ۱. elhamakhlaghi80@gmail.com ۲. alializadeh@um.ac.ir ۳. ghavam@ferdowsi.um.ac.ir

درصد پاسخ مثبت داده‌اند. در ضمن این‌که باید پایان‌نامه‌های دانشجویان را به سوی مواردی کاربردی‌تر هدایت نمود، باید تغییراتی در ساختار جذب دانشجو نیز ایجاد کرد.

کلیدواژه‌ها: وضعیت اشتغال، دانش‌آموخته، رشته زبان‌شناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

مقدمه

یکی از رسالت‌های مهم دانشگاه‌ها، تربیت نیروهای متخصص موردنیاز جامعه است (سانیال^۱، ۱۹۸۳) و توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی هر کشور با توجه به تربیت نیروهای متخصص ممکن می‌شود (پورکاظمی، ۱۳۸۸). به همین منظور، گسترش دانشگاه‌ها در سال‌های اخیر موجب افزایش تعداد دانش‌آموختگان در بیشتر رشته‌ها شده است. در این زمینه، دانشگاه‌ها باید برای نیروی انسانی شرایط شغلی و مهارت‌های لازم مورد تقاضا را شناسایی کنند (مؤمنی، کاظم‌پور و تفرشی، ۱۳۹۰) تا بتوانند بر اساس آن نیروهای متخصص تربیت کنند و در ایجاد اشتغال مثبت مؤثر باشند. برای جذب دانش‌آموختگان به بازار کار، دانشگاه دو وظیفه‌ی مهم دارد: یکی اینکه ویژگی‌های بازار کار را شناسایی کند و بر اساس آن برنامه‌ریزی‌های آموزشی و درسی خود را با آن هماهنگ کند و از سوی دیگر مهارت‌های لازم و تخصص مورد نیاز و توانمندی‌های لازم شغلی و کارآفرینی و سبک اندیشه‌ی مناسب را در افراد پرورش دهد (سیف، ۱۳۸۵). بدیهی است که اشتغال و از جمله اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاهی، مستلزم مؤلفه‌های متعددی از جمله متناسب بودن مهارت‌های آنها با نیازهای بازار کار است. اشتغال، مجموعه فعالیت‌هایی است که در یک دوره معین در مقابل آن مزدی پرداخت می‌شود، به بیان دیگر، اشتغال عبارت است از به‌کارگیری منطقی نیروهای متخصص کارآمد در مشاغل تخصصی و تطبیق آنها با موقعیت‌های تخصصی مورد لزوم سازمانی، به نحوی که اشتغال صحیح آنها، نیل به هدف‌های سازمانی را ممکن سازد (دهقان، ۱۳۸۰).

امروزه در کلیه سازمان‌ها و مؤسسات جهت شناسایی این مهارت‌ها از الگوی «شایستگی» استفاده می‌شود و بر اساس آن به شناسایی دانش، مهارت، نگرش و ویژگی‌های شخصیتی مورد نیاز برای احراز هر شغل پرداخته می‌شود. ضرورت ایجاد می‌کند که در خصوص اشتغال منابع انسانی متخصص، مطالعات علمی و اساسی انجام گیرد. اینکه فقط متخصص

تربیت کنیم، بدون اینکه به امکان جذب آنها در مراکز کاری و ارائه خدمات تخصصی آنها به دیگران بیندیشیم، درعین حال که سرمایه‌های ملی به هدر خواهد رفت، نوعی سرخوردگی برای این دانش‌آموختگان و جوانان ایجاد خواهد کرد (صابریان و حاجی آقاجانی، ۱۳۸۲). عدم اشتغال از یک سو منجر به پیامدهای نامطلوب روانی مانند افسردگی، ناامیدی می‌شود و از سوی دیگر، باعث بروز رفتاری مانند استعمال دخانیات و مواد مخدر می‌گردد؛ به‌علاوه انحرافات جنسی و مشکلات اجتماعی مانند خشونت، آشوب نیز می‌تواند از نتایج بیکاری باشد (وینکلمن و وینکلمن^۱، ۱۹۹۸؛ کورپی^۲، ۱۹۹۷؛ کلارک^۳ و همکاران، ۲۰۰۱؛ گالی^۴ و همکاران، ۲۰۰۱؛ فریدل^۵ و همکاران، ۲۰۰۷). همچنین بیکاری منجر آن خواهد شد که آموخته‌ها و مهارت‌های آنها روزآمدی و کارآمدی خود را از دست بدهند (کینگدن و نایت^۶، ۲۰۰۷). به نظر نگارندگان وضعیت نامطلوب این عامل، می‌تواند دلیلی برای ادامه‌ی تحصیل دانش‌آموختگان، برای یافتن شغلی مناسب باشد که پیامد این وضعیت، افزایش مدرک‌گرایی است. به اعتقاد کورپی (۱۹۹۷) این امکان وجود دارد فرد، حاضر به اشتغال در مشاغلی که به آنها علاقه ندارد و یا متناسب با سطح تحصیلات و یا مطابق جایگاه و منزلت نیست، نباشد. بنابراین پژوهش، برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری جدی در خصوص اشتغال افراد تحصیل‌کرده از ضرورت‌های نظام آموزش عالی و اشتغال کشور است.

هدف پژوهش حاضر بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان گروه آموزشی زبان‌شناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه فردوسی مشهد در یک دوره ده‌ساله است تا بتوان بر اساس آن، شایستگی‌های مورد نیاز اشتغال دانشجویان را شناسایی و در نتیجه به اشتغال دانشجویان و دانش‌آموختگان کمک کرد. البته این پژوهش محدودیت‌هایی نیز دارد؛ تعریف دهقان (۱۳۸۰) از اشتغال و تعاریف بسیار دیگری که هم‌راستا با این تعریف هستند، از جهات بسیاری قابل قبول می‌باشند، اما حساسیت موضوع انواع شغل تمام‌وقت، نیمه و پاره‌وقت را و

۱. Winkleman Winkleman

۲. Korpi

۳. Clark

۴. Gali

۵. Freidl

۶. Kingdom & Knight

البته زمان اشتغال را برجسته نمی‌کنند. این در حالی است که این موضوع جزء محدودیت‌های بزرگ این پژوهش به شمار می‌آید و اگر قابل کنترل می‌بود آمار را کاملاً تحت تأثیر قرار می‌داد. همچنین سؤال‌هایی که در مصاحبه تلفنی از شرکت‌کنندگان پرسیده شده است، از نوع «بلی» و «خیر» بوده‌اند، در نتیجه پاسخ‌ها کاملاً شخصی بوده است و ابزاری برای تعیین روایی آنها در اختیار نیست که این هم محدودیت دیگری در این پژوهش است.

سؤال‌هایی که این پژوهش در پی پاسخ به آنها است، به شرح زیر است:

آیا بین جنسیت دانش‌آموختگان و وضعیت اشتغال آنها تفاوت معناداری وجود دارد؟

آیا بین رشته تحصیلی فارغ‌التحصیلان و شغلشان ارتباط وجود دارد؟

آیا پایان‌نامه‌های دانشجویان این رشته، متناسب با بازار کار تدوین شده‌اند؟

آیا بین شغل دانش‌آموختگان و رشته تحصیلی‌شان تناسب وجود داشته است؟

آیا محتوای دروس متناسب با کار و شغل دانش‌آموختگان بوده است؟

آیا انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان آگاهانه بوده است؟

پیشینه‌ی پژوهش

مسئله‌ی بررسی و ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشگاه‌ها از اهمیت بسیاری در رویکردهای اتخاذی دانشگاه‌ها برای سیاست‌گذاری‌های آتی آموزشی برخوردار است، به طوری که دانش‌آموختگان دانشگاه‌های برتر با عملکردهای بهتر، علاوه بر این که بیشتر جذب بازار کار می‌شوند، در مشاغل بهتری هم استخدام می‌شوند؛ لذا تاکنون دانشگاه‌های مختلف دست به بررسی خروجی عملکرد خود زده‌اند. در ادامه به برخی از مهم‌ترین پژوهش‌هایی که در این زمینه انجام شده است، اشاره می‌شود. به‌عنوان نمونه طبق تحقیق هورن^۱ و ضامن^۲ (۲۰۰۱) در دانشگاه خود، همه‌ی دانش‌آموختگان رشته‌های مهندسی و علوم کامپیوتر کار تمام‌وقت داشتند و حدود ۹۰ درصد از آنان به کار رسمی مشغول بوده‌اند. این در حالی است که در رشته‌های علوم انسانی و هنر درصد کمتری مشغول به کار بودند و مقدار آن حدود ۷۹ درصد اعلام شده است. در مطالعه‌ی دیگر که در کشور انگلستان انجام گرفته است، میزان

۱. Horn

۲. Zahn

اشتغال دانش‌آموختگان دختر بیشتر از پسران گزارش شده است و علت آن ناشی از جنبه‌های تبلیغاتی شغلی و مسئولیت‌پذیری بیشتر زنان در محیط‌های شغلی در نظر گرفته شده است (برینین^۱، ۲۰۰۲). در پژوهشی دیگر در ایالات کارولینای شمالی در دانشگاه داک نشان داده شد که ۷۰ درصد از دانش‌آموختگان شغل ثابت، ۱۰/۳ درصد آنان شغل‌های پاره‌وقت داشته و ۱۰/۷ درصد از آنها تا آن زمان (یک سال بعد از فارغ‌التحصیلی) بیکار بوده‌اند. از کل دانش‌آموختگان شاغل، ۷۱/۲ درصد از شغل خود راضی و ۲۹/۸ درصد از آنان نسبت به شغل خود بی‌تفاوت بودند و اعلام کردند که شغل خود را برخلاف میل باطنی انتخاب کرده‌اند. از بین شاغلان ۵۷/۸ درصد آموخته‌های دوران تحصیل را برای شغل کنونی خود کاملاً مفید دانسته‌اند (کارت^۲، ۲۰۰۰).

بدیهی است که برای حل مشکل اشتغال قبل از هرگونه اقدامی باید نیازسنجی انجام گیرد (صابریان و حاجی آقاجانی، ۱۳۸۲). به عبارت دیگر، پذیرش دانشجو و محتوای آموزشی آن باید متناسب با نیازهای جامعه باشد. در این راستا، آراسته (۱۳۸۳) در مقاله خود هشدار می‌دهد که برنامه‌ها و تشکیلات دانشگاه، حتماً باید با مقتضیات هر جامعه در زمینه‌ی توسعه و ترقی همراه باشد. از دید وی انطباق فعالیت‌های آموزشی دانشگاه با اهداف و نیازهای مختلف جامعه، گسترش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی غیردولتی، گرایش به علوم عملی و تحقیقاتی به ویژه تحقیقات کاربردی و جامعه‌گرا را می‌توان از عوامل اصلی و مهم پیشرفت ممالک توسعه‌یافته برشمرد. در کشور ما با درک این مهم اقداماتی در زمینه‌ی ایجاد ارتباط بیشتر بین صنعت، جامعه و دانشگاه صورت گرفته است. عده‌ای از محققان همچون شجاعی (۱۳۸۲) و انتظاری (۱۳۷۴) نیز بر ضرورت تعامل دانشگاه و صنعت تأکید کرده‌اند. آنها دریافتند که بخش آموزش عالی که عرضه‌کننده‌ی نیروی انسانی متخصص است و بنگاه‌های اقتصادی و صنعتی که متقاضی نیروی متخصص هستند، از طریق بازار کار که محل تلاقی عرضه‌کنندگان (دانش‌آموختگان متخصص) و تقاضاکنندگان (کارفرمایان بخش‌های عمومی و خصوصی) است، دارای ارتباط ظریف، اما عینی و تنگاتنگی هستند که وظیفه‌ی خطیری در

۱. Brynin

۲. Carter

زمینه‌ی افزایش ثمربخش فعالیت‌های آموزش عالی یعنی تربیت نیروی انسانی متخصص مناسب با نیازمندی‌های تخصصی جامعه دارند.

علاوه‌براین، افراد مختلفی به ارزیابی شغلی رشته‌های دانشگاهی پرداخته‌اند تا بتوانند جایگاه رشته تحصیلی مورد نظر را از نظر اشتغال مشخص کنند. افشاری و حسینی (۱۳۹۴) در پژوهشی به شناسایی و تحلیل موانع اشتغال در رشته علوم تربیتی از دیدگاه دانشجویان کارشناسی ارشد پرداختند و به این نتیجه رسیدند که فقدان یا کمبود حمایت دولتی از مشاغل علوم تربیتی مهم‌ترین مانع برای اشتغال فارغ‌التحصیلان این بخش است. در پژوهشی دیگر، مهارت‌های حرفه‌ای و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات توسط راهداری و همکاران (۱۳۹۴) مورد ارزیابی قرار گرفته است. احمدی، بختیاری و حسین‌نژاد (۱۳۹۴) وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن را در دانشگاه یاسوج مورد ارزیابی قرار داده‌اند و نصیری و همکاران (۱۳۹۳) وضعیت شغلی، آموزشی و پژوهشی دانش‌آموختگان رشته پرستاری در دانشکده پرستاری فاطمه‌الزهرا (س) رامسر را بررسی نموده‌اند. کرامتی (۱۳۹۳) در پژوهشی بر روی دانش‌آموختگان روانشناسی در ایران و کانادا، نشان داد دوره بیکاری در دانش‌آموختگان ایرانی بیشتر است. برومند، فضلی-درزی و عظیمی‌دلارستاقی (۱۳۹۲) آینده‌ی شغلی دانش‌آموختگان رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی را مورد مطالعه قرار داده‌اند. فراهانی و قربانی قهفرخی (۱۳۹۲) در پژوهشی به بررسی عوامل اجتماعی مؤثر بر اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی در رشته تربیت‌بدنی دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی پرداخته‌اند. بیگدلی و همکاران (۱۳۹۱) در پژوهشی رابطه رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران را مورد بررسی قرار داده‌اند. سعیدی رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۲) در پژوهش خود سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان رشته مهندسی دانشگاه فردوسی مشهد را مورد تحلیل قرار داده و متوجه شدند که درصد بالایی از دانش‌آموختگان درعین حال که شاغل هستند، اما رضایت شغلی چندانی از حرفه‌ی خود ندارند. آنها در پژوهش بعدی خود درصد بیکاران در میان دانش‌آموختگان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه مشهد را اعلام کرده‌اند که حدود ۳۶ درصد بوده است (سعیدی رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی، ۱۳۸۹).

همچنین فیض‌پور و همکاران (۱۳۸۸) در پژوهشی با عنوان «مقایسه‌ی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جویای کار رشته‌های علوم انسانی با سایر رشته‌ها در استان یزد» دریافتند که نسبت دستیابی به شغل در بیکاران جویای کار با تحصیلات دانشگاهی در گروه علوم انسانی تفاوت معنی‌داری با این نسبت در دانش‌آموختگان سایر گروه‌ها نشان نمی‌دهد. نتایج ملکوتیان و پرورش (۱۳۸۲) نشان داد که درصد عمده‌ای از دانش‌آموختگان مقطع کاردانی و کارشناسی رشته بهداشت محیط، در سراسر کشور بیکار بوده‌اند.

فتحی و اجارگاه و شفیعی (۱۳۸۶) در پژوهشی تحت عنوان «ارزشیابی کیفیت برنامه درسی دانشگاهی» به این نتیجه دست یافتند که از دید دانش‌آموختگان، برنامه‌ی درسی از لحاظ نگرش و مهارت به‌خوبی تجهیز شده، اما آنان در عرصه‌ی دانش و آگاهی تخصصی، با مشکلاتی روبرو هستند. نیک‌خواه و همکاران (۱۳۸۶) نشان دادند که میزان اشتغال دانش‌آموختگان آموزش متوسطه فنی و حرفه‌ای شهرکرد در حدود ۲۵ درصد بوده است، ۲۴ درصد دانش‌آموختگان در حال ادامه تحصیل و ۵۱ درصد بیکار، خانه‌دار یا سرباز بوده‌اند و از میان شاغلان، میزان اشتغال مرتبط ۴۷ درصد بوده است. صالحی عمران (۱۳۸۵) مسأله‌ی اشتغال دانش‌آموختگان را طی سال‌های اخیر در ایران به‌عنوان یکی از چالش‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و در زمره مهم‌ترین تهدیدهای امنیت و توسعه‌ی ملی مطرح کرده است. همچنین بر اساس یافته‌های محمدزاده و همکاران (۱۳۸۵) ۴۰ درصد دانش‌آموختگان رشته‌های کشاورزی دانشگاه‌های علمی کاربردی بیکار بوده‌اند.

در این قسمت به آثاری که تاکنون در زمینه‌ی موضوع تحقیق این مقاله نوشته شده است، اشاره شد. با بررسی موارد بالا، موضوعات مورد اهمیت در ارزیابی اشتغال فارغ‌التحصیلان دانشگاه‌ها به چشم می‌خورد، همچنین نتیجه‌گیری آنها می‌تواند مبنایی برای قضاوت در مورد نتایج این پژوهش باشند. در ادامه روش کار و نحوه‌ی انجام این پژوهش ذکر می‌شود.

روش تحقیق

طرح این پژوهش از نوع توصیفی، تحلیلی و کاربردی است که با هدف سنجش درون‌گروهی و با شرکت دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد انجام گرفته است. کاربرد این نوع تحقیق در دانشگاه‌ها می‌تواند نشان دهد دانش‌آموختگان این رشته

به لحاظ تناسب آموزش‌های فراگرفته با مهارت‌های موردنیاز، کیفیت آموزش، وضعیت اشتغال و ... در چه وضعیتی قرار دارند.

جامعه‌ی آماری اولیه‌ی این تحقیق، کلیه‌ی دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد در یک بازه‌ی ده‌ساله (۱۳۹۵-۱۳۸۵) بوده‌اند. به‌این ترتیب که در تماس اولیه، افراد شاغل و غیر شاغل مشخص شدند و سپس با توجه به وسعت جامعه‌ی مورد تحقیق، از میان دانش‌آموختگان در دسترس شاغل به کار، به‌صورت تصادفی نمونه‌گیری شد و حدود یک‌سوم جمعیت دانش‌آموختگان دارای شغل، یعنی ۳۰ نفر از مقاطع کارشناسی ارشد و دکتری مورد بررسی قرار گرفتند که به نظر می‌رسد بتوان نتایج را به‌کل دانش‌آموختگان تعمیم داد. ابزار مورد استفاده در این پژوهش، مصاحبه‌ی تلفنی ساختاریافته است که سؤال‌های آن به شرح جدول (۱) است؛ در این جدول کد هر شرکت‌کننده در مصاحبه توسط مصاحبه‌گیرنده پُر شده است.

جدول (۱): فرم مصاحبه تلفنی هر شرکت‌کننده

| کد: | مقطع: |
|--|--------|
| رشته و گرایش: | جنسیت: |
| ۱- آیا شاغل هستید؟ | |
| ۲- آیا شغل‌تان مرتبط با رشته تحصیلی‌تان است؟ | |
| ۳- آیا شما رشته‌تان را با آگاهی انتخاب کردید؟ | |
| ۴- آیا پایان‌نامه‌تان با شغل‌تان مرتبط است؟ | |
| ۵- آیا محتوای دروس دوره مرتبط با کار شما بوده است؟ | |

قبل از انجام مصاحبه تلفنی، تمام موارد لازم از جمله محرمانه بودن اطلاعات و میزان اهمیت پاسخ آنها در جهت گسترش و بهبود راهکارهای آموزشی دانشگاه به مصاحبه‌شوندگان توضیح داده شد و هر مصاحبه با قدردانی از وقت و حوصله‌ی مصاحبه‌شوندگان خاتمه یافت. همچنین تجزیه و تحلیل در دو بخش توصیفی و استنباطی صورت گرفته است. در بخش نخست داده‌های خام به‌صورت فراوانی و درصد ارائه شده است و در بخش استنباطی، جهت مقایسه و یافتن معنی‌داری از آزمون‌های ناپارامتریک در نرم‌افزار SPSS استفاده شده است.

تجزیه و تحلیل داده‌ها

در این بخش تحلیل حاصل از پژوهش که بر مبنای آمار استنباطی و توصیفی به‌منظور پاسخ به سؤالات تحقیق صورت گرفته است، ارائه می‌شود. در ابتدا اطلاعات جمعیت‌شناختی دانش‌آموختگان و شرکت‌کنندگان تحقیق از گروه زبان‌شناسی بیان می‌شود.

جدول (۲): جمعیت دانش‌آموختگان دارای اطلاعات رشته زبان‌شناسی

| مقطع | تعداد کل دانشجویان | تعداد دانشجویان بدون اطلاعات ^۱ * | درصد | تعداد دانشجویان دارای اطلاعات | درصد |
|----------------------|--------------------|---|-------|-------------------------------|-------|
| کارشناسی ارشد همگانی | ۷۲ | ۱۹ | ٪۲۶/۴ | ۵۳ | ٪۷۳/۶ |
| کارشناسی ارشد آزفا | ۶۱ | ۱۵ | ٪۲۴/۵ | ۴۶ | ٪۷۵/۵ |
| دکتری | ۲۶ | ۶ | ٪۲۳/۱ | ۲۰ | ٪۷۶/۹ |
| کل | ۱۵۹ | ۴۰ | ٪۲۵/۲ | ۱۱۹ | ٪۷۴/۸ |

هرچند برقراری تماس با حدود ۱۶۰ نفر کار بسیار زمان‌بری بود، اما خوشبختانه سه‌چهارم دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی در این بازه ده‌ساله، در دسترس بودند و در این مصاحبه شرکت نمودند. از تمام دانش‌آموختگان در دسترس، در مورد شاغل یا غیر شاغل بودنشان پرسیده شد. میزان اشتغال به کار آنها را به تفکیک مقطع تحصیلی و جنسیت در جدول (۳) مشاهده می‌کنید.

جدول (۳): وضعیت اشتغال به کار دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی

| مقطع | زن | شاغل | بیکار | کل (نفر) |
|------------------------|-----|------|-------|----------|
| کارشناسی ارشد (۹۹ نفر) | زن | ۶۵ | ۱۵ | ۸۰ |
| | مرد | ۲۲ | ۳ | ۲۵ |
| دکتری | زن | ۹ | ۲ | ۱۱ |

*۱ افرادی که امکان تماس با آنها نبود و اطلاعاتی مبنی بر شاغل بودن یا نبودنشان به دست نیامد.

| | | | | |
|-------|----|--------------|-------------|----------|
| ۴ | ۰ | ۴ | مرد | (۲۶ نفر) |
| ۱۲۰ | ۲۰ | ۱۰۰ | کل | |
| ۱.۱۰۰ | | آماره کی دو | آزمون کی دو | |
| ۱ | | درجه‌ی آزادی | | |
| ۰.۲۹۴ | | p-value | | |

یکی از سؤال‌های مطرح در این پژوهش، بررسی رابطه جنسیت با میزان شاغل بودن دانش‌آموختگان است. فراوانی جنسیت دانش‌آموختگان در جدول بالا نشان داده شده است. برای بررسی معنی‌دار بودن جنسیت دانش‌آموختگان و وضعیت اشتغال، آزمون «ناپارامتریک (کی دو)» استفاده شد. همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، پی‌مقدار آزمون کی دو بیشتر از ۰.۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر استقلال جنسیت و وضعیت اشتغال رد نمی‌شود. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از میان ۹۱ دانش‌آموخته‌ی زن، ۷۴ نفر شاغل بوده‌اند (حدود ۸۱ درصد)؛ و از میان ۲۹ دانش‌آموخته‌ی مرد، ۲۶ نفر شاغل بوده‌اند (حدود ۸۹ درصد). بر این اساس، تفاوت آن‌قدر نیست که در آمار معنادار شود و می‌توان گفت به‌طور کل، جنسیت و وضعیت اشتغال در دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی، وابسته به یکدیگر نیستند. در نهایت باید گفت با توجه به اینکه رشته زبان‌شناسی تنها در مقطع کارشناسی ارشد و دکتری پذیرش دانشجوی دارد، شاغل بودن درصد بالایی از این دانش‌آموختگان، نسبت به دانش‌آموختگان مقطع کارشناسی سایر رشته‌ها، قابل پیش‌بینی است و همان‌گونه که از جدول بالا مشخص است، حدود چهارپنجم این جمعیت دارای شغل هستند.

بعد از آنکه افراد دارای شغل مشخص شدند، مرحله دوم مصاحبه انجام گرفت. در این مرحله، مصاحبه تلفنی ساختاریافته‌ای از ۳۰ نفر دانش‌آموختگان شاغل به کار، صورت گرفت. در این بخش، آنچه از مصاحبه‌های تلفنی با دانش‌آموختگان به دست آمده است، بیان می‌شود و در ادامه به ارائه نتایج استنباطی حاصل از پژوهش پرداخته می‌شود.

جدول (۴): مصاحبه تلفنی مربوط به دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی

| جنسیت | گزینه | ارتباط شغل با رشته تحصیلی | انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی | ارتباط پایان‌نامه و شغل | ارتباط محتوای درس با کار |
|-------|-------|---------------------------|----------------------------|-------------------------|--------------------------|
| مرد | بله | ۸ | ۵ | ۸ | ۸ |

| | | | | | |
|----|----|----|----|------|----|
| ۳ | ۳ | ۶ | ۳ | خیبر | |
| ۱۶ | ۱۷ | ۵ | ۱۶ | بله | زن |
| ۳ | ۲ | ۱۴ | ۳ | خیبر | |

اولین موضوع مورد بررسی، وجود رابطه رسته تحصیلی و شرایط شغلی است که اطلاعات آن را در جدول زیر مشاهده می‌کنید.

جدول (۵): رابطه رسته تحصیلی و شرایط شغلی رسته زبان‌شناسی

| درصد | فراوانی | تناسب رسته تحصیلی و شغل | |
|--------|---------|-------------------------|-------------|
| ۸۰ | ۲۴ | بلی | |
| ۲۰ | ۴ | خیبر | |
| ۱۰۰.۰ | ۳۰ | کل | |
| ۱۰.۸۰۰ | | آماره کی دو | ۱ ۲ ۳ |
| ۱ | | درجه‌ی آزادی | |
| ۰.۰۰۱ | | p-value | |

همان‌طور که در جدول بالا مشاهده می‌شود، بی‌مقدار آزمون کی دو کمتر از ۰.۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر برابری نسبت انتخاب گزینه‌ی «بله» و «خیبر» رد می‌شود، یعنی نسبت افرادی که شغل و رسته تحصیلی آنان باهم ارتباط دارد و افرادی که این ارتباط برایشان وجود ندارد، یکسان نیست، به‌طوری‌که ۸۰ درصد از دانش‌آموختگان رسته زبان‌شناسی بین رسته تحصیلی و شغل خود ارتباط می‌بینند و تنها ۲۰ درصد چنین ارتباطی را اعلام نکرده‌اند.

در این قسمت به بررسی تناسب موضوع پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری با بازار کار در رسته زبان‌شناسی پرداخته شده است. جدول زیر اطلاعات مورد نیاز در این خصوص را ارائه می‌دهد.

جدول (۶): ارتباط موضوع پایان‌نامه و شغل دانش‌آموختگان در رسته زبان‌شناسی

| درصد | فراوانی | ارتباط پایان‌نامه و شغل |
|------|---------|-------------------------|
| ۳۳.۳ | ۱۰ | بلی |

| | | | |
|-------|----|--------------|-------------|
| ۶۶.۷ | ۲۰ | خیر | |
| ۱۰۰.۰ | ۳۰ | کل | |
| ۱.۱۴۸ | | آماره کی دو | ۱ ۲ ۳ |
| ۱ | | درجه‌ی آزادی | |
| ۰.۲۸۴ | | p-value | |

به گونه‌ای که در جدول بالا مشهود است، پی‌مقدار آزمون کی دو بیشتر از ۰.۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر استقلال موضوع پایان‌نامه و ارتباط داشتن یا نداشتن آن با شغل فعلی دانش‌آموختگان رد نمی‌شود، یعنی شغل و موضوع پایان‌نامه، مستقل از یکدیگر هستند و ارتباط معناداری بین موضوع پایان‌نامه و شغلی که دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی به آن مشغول هستند، وجود ندارد. حال سؤال به وجود می‌آید که آیا نوع جنسیت در این نابرابری تأثیرگذار بوده است یا خیر؟ نتیجه‌ی بررسی این موضوع در جدول (۷) نشان داده است.

جدول (۷): بررسی رابطه جنسیت با موضوع پایان‌نامه و اشتغال به کار رشته زبان‌شناسی

| کل | | خیر | | بلی | | جنسیت |
|--------|---------|------|---------|--------------|---------|-------------|
| درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | درصد | فراوانی | |
| ۱۰۰.۰٪ | ۱۹ | ۷۳.۷ | ۱۴ | ۲۶.۳ | ۵ | زن |
| ۱۰۰.۰٪ | ۱۱ | ۵۴.۵ | ۶ | ۴۵.۵ | ۵ | مرد |
| ۱۰۰.۰٪ | ۳۰ | ۶۶.۶ | ۲۰ | ۳۳.۳ | ۱۰ | کل |
| ۱.۱۴۸ | | | | آماره کی دو | | آزمون کی دو |
| ۱ | | | | درجه‌ی آزادی | | |
| ۰.۲۸۴ | | | | p-value | | |

همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود پی‌مقدار آزمون کی دو بیشتر از ۰.۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر استقلال جنسیت و ارتباط داشتن یا نداشتن شغل و موضوع پایان‌نامه، رد نمی‌شود؛ یعنی جنسیت و ارتباط بین شغل و موضوع پایان‌نامه مستقل از

یکدیگر است. انتخاب آگاهانه یا ناآگاهانه رشته تحصیلی نیز از سؤالاتی بود که در مصاحبه‌ها پرسیده شد. نتیجه آن در جدول زیر مشاهده می‌شود.
 بر اساس جدول بالا، پی‌مقدار آزمون کی دو کمتر از ۰.۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر انتخاب آگاهانه‌ی رشته مورد تحصیل رد می‌شود، به عبارت دیگر اکثر افراد به صورت آگاهانه رشته تحصیلی خود را انتخاب کرده‌اند.

جدول (۸): انتخاب آگاهانه‌ی رشته تحصیلی دانشگاه در رشته زبان‌شناسی

| انتخاب آگاهانه‌ی رشته تحصیلی در دانشگاه | فراوانی | درصد |
|---|-------------|--------|
| بلی | ۲۶ | ۸۶.۷ |
| خیر | ۴ | ۱۳.۳ |
| کل | ۳۰ | ۱۰۰ |
| آزمون کی دو | آماره کی دو | ۱۶.۱۳ |
| | درجه آزادی | ۱ |
| | p-value | ۰.۰۰۰۰ |

به‌عنوان آخرین قسمت مصاحبه، از مصاحبه‌شوندگان درخواست گردید نظر خود را نسبت به سرفصل دروس بیان کنند که آیا از نظر آنان، محتوای دروسی که در دانشگاه مطالعه کرده‌اند، به کیفیت شغلشان در محل کار کمک کرده است یا خیر؟ تنها ۵۳.۳ درصد از مصاحبه‌شوندگان اعلام کردند که بین دروس ارائه‌شده در دانشگاه و شغل فعلی آنها ارتباط وجود دارد. در ادامه، جدول این نتیجه ارائه شده است.

جدول (۹): ارتباط محتوای دروس در دانشگاه با کار در رشته زبان‌شناسی

| ارتباط محتوای دروس با شغل | فراوانی | درصد |
|---------------------------|--------------|-------|
| بلی | ۱۶ | ۵۳.۳ |
| خیر | ۱۴ | ۴۶.۷ |
| کل | ۳۰ | ۱۰۰ |
| آزمون کی دو | آماره کی دو | ۰.۱۳۳ |
| | درجه‌ی آزادی | ۱ |

| | | |
|-------|---------|--|
| ۰.۷۱۵ | p-value | |
|-------|---------|--|

بر اساس آنچه در جدول بالا مشاهده می‌شود، پی‌مقدار آزمون کی‌دو بیشتر از ۰.۰۵ است و در نتیجه، فرضیه‌ی صفر مبنی بر استقلال محتوای دروس و رشته تحصیلی رد نمی‌شود، یعنی نسبت افرادی که اعلام کرده‌اند محتوای دروس با شغل آنان مرتبط بوده است با نسبت افرادی که اعلام کرده‌اند این ارتباط وجود ندارد، تقریباً یکسان بوده است؛ در حالی که در حدود ۴۷ درصد بین محتوای دروس و شغل دانش‌آموختگان ارتباطی وجود ندارد، در ۵۳ درصد موارد این ارتباط مشاهده می‌شود. همان‌گونه که بیان شد، ارتباط محتوای دروس ارائه‌شده در دانشگاه و شغل افراد، آخرین سؤال مصاحبه انجام گرفته بود و در بخش بعد به تحلیل نتایج پرداخته می‌شود.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از رسالت‌های مهم دانشگاه‌ها تربیت نیروهای متخصص موردنیاز جامعه است. دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی می‌بایست از سرنوشت دانش‌آموختگان خود و توانمندی‌های ایجادشده در آنان اطلاع داشته باشند. آنها باید بدانند که دانش‌آموختگان بعد از فراغت از تحصیل با چه سرنوشتی مواجه‌اند و از تخصص خود چگونه بهره می‌گیرند. همچنین تدوین‌کنندگان برنامه‌های درسی باید به این نکته توجه داشته باشند که این برنامه باید به‌گونه‌ای تدوین شود که شایستگی‌های لازم را به‌منظور موفقیت دانش‌آموختگان در موقعیت‌های شغلی و مسائل زندگی در آنها ایجاد و تقویت کند (انتظاری، ۲۰۰۶).

در این پژوهش به بررسی وضعیت گروه زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد از منظر اشتغال به کار دانش‌آموختگان آن در یک بازه ده‌ساله پرداخته شده است. برای رسیدن به هدف این پژوهش و پاسخ به سؤال‌های تحقیق، در ابتدا با تمام دانش‌آموختگانی که در سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۵ درس خود را به اتمام رسانده بودند تماس گرفته شد. از میان آنها افرادی که مشغول به کار بودند مشخص شدند. در مرحله بعد، از میان افراد در دسترس ۳۰ نفر به‌طور تصادفی انتخاب شدند و در مصاحبه تلفنی ساختاریافته‌ای شرکت کردند. در ادامه موضوعاتی که این تحقیق به دنبال پاسخگویی به آنها بوده است، به تفکیک آورده می‌شود.

در خصوص میزان اشتغال و بیکاری در بُعد اقتصادی، از میان دانش‌آموختگان شرکت‌کننده در تحقیق از رشته زبان‌شناسی حدود ۸۰ درصد شاغل هستند که نسبت به نتایج برخی پژوهش‌ها مانند سعیدی رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) و احمدی، بختیاری و حسین‌نژاد (۱۳۹۴) وضعیت بهتری را نشان می‌دهند. در پژوهش احمدی، بختیاری و حسین‌نژاد (۱۳۹۴) دانش‌آموختگان رشته‌های جامعه‌شناسی، ادبیات فارسی، زبان انگلیسی و علوم سیاسی طی سال‌های ۱۳۸۹-۱۳۹۲ مورد بررسی قرار گرفته‌اند و درصد اشتغال آنها حدود ۴۰ درصد بیان شده است. یافته‌های سعیدی رضوانی، محمدحسین‌زاده و باغگلی (۱۳۸۹) نیز درصد شاغلین دانش‌آموختگان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد را حدود ۶۰ درصد بیان کرده‌اند که بازهم کمتر از نتایج این پژوهش است. جعفری و همکاران (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی زنجان» نشان دادند، ۲۷/۵٪ دانش‌آموختگان مامایی فاقد شغل می‌باشند. تنها نتایج پورحقیقی و خادمی (۱۳۸۳) حاکی از این است که بیش از ۹۵ درصد دانش‌آموختگان رشته مدیریت آموزشی جذب بازار کار شده‌اند و آمار ایده‌آلی برای دانش‌آموختگان هر رشته ارائه شده است. در مجموع می‌توان گفت وضعیت اشتغال به کار رشته زبان‌شناسی این گروه آموزشی نسبتاً خوب است.

پس از بیان نتیجه‌ی کلی در مورد میزان اشتغال دانش‌آموختگان رشته زبان‌شناسی دانشگاه فردوسی مشهد، به تفکیک به بررسی پرسش‌های تحقیق پرداخته می‌شود.

۱- بین جنسیت دانش‌آموختگان و وضعیت اشتغال آن‌ها تفاوت معناداری وجود دارد؟

تعداد زنان در این رشته به‌طور معناداری بالاتر از مردان است، اما تعداد شاغلان زن نسبت به شاغلان مرد درصد پایین‌تری هستند، هرچند این نسبت معنادار نیست. این یافته تحقیق با نتایج سعیدی رضوانی و همکاران (۱۳۸۹)، نصیری (۱۳۸۲) و نامجویان شیراز (۱۳۸۴) که نشان دادند میزان اشتغال مردان بیش از زنان است، منطبق است.

۲- آیا انتخاب رشته تحصیلی دانشجویان آگاهانه بوده است؟

نتایج مطالعه نشان داد که ۸۶.۷ درصد از افراد مورد مطالعه، رشته مورد تحصیل خود را آگاهانه انتخاب کرده‌اند. شاید بتوان یکی از دلایل موفقیت نسبتاً خوب شغلی دانش‌آموختگان این رشته را همین انتخاب آگاهانه‌ی رشته تحصیلی دانست. گرچه تحقیق منسجمی در مورد

ارزیابی این زمینه انجام نشده است، اما انتشار کتاب *انتخاب آگاهانه رشته تحصیلی و شغل* (عابدی‌تجریشی، ۱۳۹۰)، نشان‌دهنده اهمیت این مقوله و لزوم ارزیابی آن در موفقیت دانش-آموختگان رشته‌های متفاوت است. همچنین باید خاطر نشان کرد که انتخاب آگاهانه حاکی از وجود علاقه به رشته مزبور است و بر اساس تحقیق کلیفمی^۱ (۱۹۷۲)، علاقه به رشته انتخابی می‌تواند موجب پیشرفت و ارتقای علمی دانشجویان و عدم علاقه نیز منجر به دل‌زدگی و ناامیدی و خستگی از ادامه‌ی تحصیل گردد (کلیفمی، ۱۹۷۲).

۳- آیا محتوای دروس متناسب با کار دانش‌آموختگان بوده است؟

از مصاحبه‌شوندگان خواسته شد که بیان کنند از نظر آنان، محتوای دروسی که در دانشگاه مطالعه کرده‌اند تا چه میزان به انجام کار باکیفیت در محل کار ایشان کمک می‌کند. شصت درصد از افراد اعلام کردند که بین دروس ارائه‌شده در دانشگاه و شغل فعلی آنان ارتباط وجود دارد. این مقدار خیلی راضی‌کننده نیست و به نظر می‌رسد باید محتوای دروس تدریس‌شده بیشتر با نیازهای شغلی جامعه مطابقت داشته باشد.

در خصوص ارتباط شغل با رشته تحصیلی ۸۹ درصد از دانش‌آموختگان دارای مشاغل مرتبط و ۱۱ درصد نیز دارای مشاغل غیر مرتبط با رشته تحصیلی خود بودند؛ که وضعیت نسبتاً مطلوبی را نشان می‌دهد. تناسب شغل با رشته تحصیلی یکی از ارکان مهم «نظریه‌ی انطباق شغلی» است که توجه ویژه‌ای را به خود جلب نموده است (صفری، ربیعی، مصباح، ۱۳۹۵) و دلیل آن این است که عدم تناسب میان شغل و رشته، تبعات زیان‌باری ایجاد می‌کند. این عدم تناسب در سطوح فردی منجر به بروز احساس عدم کارآمدی، افسردگی، دریافت حقوق و دستمزد کمتر (نسبت به کسانی که بین شغل و رشته آنها تناسبی وجود دارد) می‌شود و نزول منزلت و رضایت شغلی در سطح اجتماعی منجر به نزول منزلت اجتماعی افراد، تشدید نابرابری اجتماعی، بروز حس بی‌اعتمادی به نظام آموزشی، اخلال در تحقق راهبردهای کلان اشتغال می‌شود. همچنین در سطح اقتصادی، موجب اتلاف منافع و سرمایه‌های مادی و سازمانی می‌گردد.

۴- آیا پایان‌نامه‌های مقاطع ارشد و دکتری این رشته‌ها متناسب با بازار کار تدوین شده‌اند؟

۱. Cliffmay

در این سؤال به بررسی تناسب موضوع پایان‌نامه‌های ارشد و دکتری با بازار کار پرداخته شده است. در رشته زبان‌شناسی پی‌مقدار آزمون کی دو بیشتر از ۰.۰۵ است که نشان می‌دهد فرضیه‌ی صفر آزمون مبنی بر استقلال موضوع پایان‌نامه و ارتباط داشتن یا نداشتن آن با شغل فعلی دانش‌آموختگان رد نمی‌شود، یعنی در این رشته، شغل و موضوع پایان‌نامه مستقل از یکدیگر هستند. همچنین نتایج آزمون همبستگی در متغیرهای کیفی نشان داد که بین جنسیت و وجود ارتباط موضوع پایان‌نامه و کار محول شده در محل کار افراد، تفاوت معناداری وجود ندارد.

ارزشیابی کیفیت بروندهای دانشگاه‌ها و به تبع آن مشخص نمودن وضعیت کیفیت موجود، گامی اساسی و منطقی برای آگاهی از شرایط موجود، اتخاذ تصمیم و اعمال اصلاحات لازم است. باید دانست که ارزشیابی نقطه‌ی پایان نیست؛ به بیان دیگر، ارزشیابی به‌عنوان یک سازوکار بااهمیت در کیفیت‌بخشی به امور (درانی و صالحی، ۱۳۸۵) همواره باید در دستور کار قرار گیرد و برنامه‌ریزی‌ها، تصمیم‌گیری‌ها و ایجاد اصلاحات آتی با توجه ویژه به نتایج پژوهش و ارزشیابی‌های انجام‌شده، صورت پذیرد. تحقق این اصل مهم (برنامه‌ریزی مبتنی بر نتایج ارزشیابی و پژوهش) می‌تواند ضمن سوق‌دهی نظام آموزش عالی به تدوین نظام جامع ارزشیابی و بهبود مستمر کیفیت در این نظام نیز باشد. این در حالی است که هر نوع تغییر در دستیابی به اهداف کلی و ارائه راهکارهای مناسب در ابعاد فردی، اقتصادی، اجتماعی و علمی از سوی دانشگاه‌ها می‌تواند شرایط و وضعیت دانش‌آموختگان را بهبود بخشد.

بر این اساس با استناد به هدف اول پژوهش مبنی بر تعیین وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های زبان‌شناسی، حدود یک‌ششم آنها بیکار بودند و از مجموع کل شاغلان، بخشی در مشاغل خصوصی، پاره‌وقت و غیر مرتبط کار می‌کنند و ضرورت دارد شرایط فعلی اشتغال بهتر شود، هرچند نسبت به دیگر رشته‌ها، شرایط شغلی این رشته نسبتاً مثبت ارزیابی می‌شود.

کتاب‌نامه

۱- آراسته، ح.ر. (۱۳۸۳). ارتباط صنعت و دانشگاه. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۳۳،

- ۲- احمدی، س.، و بختیاری، م.، و حسین‌نژاد، ق. (۱۳۹۴). ارزیابی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌های علوم انسانی و عوامل مؤثر بر آن (مورد مطالعه: دانشگاه یاسوج). *فصلنامه‌ی انجمن آموزش عالی ایران*، ۷(۴)، ۱-۲۰.
- ۳- انتظاری، ی. (۱۳۷۴). نظام ملی نوآوری تکنولوژیک پیوند دانشگاه و صنعت. پژوهش، (۱۱-۱۲)، ۱۴۹-۱۸۲.
- ۴- برومند، م.ر.، و فضلی‌درزی، ا.، و عظیمی‌دلارستانی، ع. (۱۳۹۲). مطالعه‌ی دیدگاه دانشجویان و دانش‌آموختگان رشته تربیت‌بدنی و علوم ورزشی نسبت به آینده‌ی شغلی. پژوهش در ورزش دانشگاهی، ۵، ۳۱-۴۸.
- ۵- بیگدلی، م.، و کرامتی، م.ر.، و بازرگان، ع. (۱۳۹۱). بررسی رابطه‌ی بین رشته تحصیلی با وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران. *فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۶۵، ۱۱۱-۱۱۳.
- ۶- پورکاظمی، م.ح. (۱۳۸۸). وضعیت راه‌یابی فارغ‌التحصیلان رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه‌های دولتی به بازار کار (ورودی سال‌های ۱۳۷۴-۱۳۷۵). *فصلنامه‌ی پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی*، ۵۲، ۱۲۷-۱۵۰.
- ۷- جعفری، ا.، و کمالی، ص.، و کریمیان، ن.، و فتیحی، ا. (۱۳۸۹). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان پرستاری و مامایی دانشگاه علوم پزشکی زنجان. *مجله‌ی توسعه‌ی آموزش در علوم پزشکی*، ۳(۵)، ۲۵-۳۰.
- ۸- دهقان، ف.ا. (۱۳۸۰). نقش اشتغال در کاهش مهاجرت‌های روستایی (مطالعه‌ی موردی دهستان مشایخ شهرستان ممسنی)، *پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد*. دانشگاه تربیت مدرس.
- ۹- درانی، ک.، و صالحی، ک. (۱۳۸۵). ارزشیابی هنرستان‌های کاردانش با استفاده از الگوی سیپ *CIPP* به منظور پیشنهاد برای الگویی برای بهبود کیفیت هنرستان‌های کاردانش. *مجله‌ی روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران*، ۳۶(۱-۲)، ۱۴۳-۱۶۶.
- ۱۰- راهداری، م.، و نصر، ا.ر.، و نیلی، م.ر.، و ترک‌لادانی، ب. (۱۳۹۴). ارزیابی مهارت‌های حرفه‌ای و وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان کارشناسی مهندسی فناوری اطلاعات. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۷۴، ۱۰۴-۸۱.
- ۱۱- سیف، ع.ا. (۱۳۸۵). *روانشناسی یادگیری و آموزش*. تهران: انتشارات آگاه.
- ۱۲- سعیدی رضوانی، م.، و محمدحسین‌زاده، م.، و باغگلی، ح. (۱۳۸۹). سرنوشت فارغ‌التحصیلان دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی دانشگاه فردوسی مشهد. *مطالعات تربیتی و روانشناسی*، (۲) ۱۱، ۵۷-۸۶.

- ۱۳- شجاعی، م.ر. (۱۳۸۲). تعامل دانشگاه و صنعت و نقش آن در توسعه‌ی اقتصادی. مجلس و پژوهش، ۱۰(۴۱)، ۲۴۴-۲۰۷.
- ۱۴- صابریان، م.، و حاجی آقاجانی، س. (۱۳۸۲). سرنوشت شغلی دانش‌آموختگان دانشکده‌ی پرستاری سمنان. آموزش در علوم پزشکی، ۹، ۵۲-۵۷.
- ۱۵- صالحی عمران، ا. (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان زن: مطالعه‌ی موردی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۲(۲)، ۶۰-۴۰.
- ۱۶- صفری، م.، و ربیعی، م.، و مصباح، ن. (۱۳۹۵). بررسی میزان و عوامل مؤثر بر انطباق‌پذیری شغلی دانشجویان ورودی جدید دانشگاه تهران در سال ۱۳۹۳. نوآوری‌های مدیریت آموزشی، ۱۱(۳)، ۸۳-۹۴.
- ۱۷- فتحی واجارگاه، ک.، و شفیعی، ن. (۱۳۸۶). ارزشیابی کیفیت برنامه‌ی درسی دانشگاهی (مورد برنامه‌ی درسی آموزش بزرگ‌سالان). انجمن مطالعات برنامه‌ی درسی ایران، ۲(۵)، ۲۶-۱.
- ۱۸- فراهانی، ا.، و قربانی قهفرخی، ل. (۱۳۹۲). تحلیل تاثیر عوامل اجتماعی بر اشتغال فارغ‌التحصیلان کارشناسی ارشد رشته‌ی تربیت‌بدنی دانشگاه‌های دولتی و غیردولتی. پژوهش در ورزش‌های دانشگاهی، ۳، ۱۵۶-۱۲۷.
- ۱۹- فیض‌پور، م.ع.، و پوشدوزباشی، ه.، و دهقان‌پور، م.ر. (۱۳۸۸). مقایسه‌ی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان جویای کار رشته‌های علوم انسانی با سایر رشته‌ها در استان یزد. نامه‌ی آموزش عالی، ۷، ۱۴۰-۱۲۳.
- ۲۰- فیض‌پور، م.ع. (۱۳۸۹). دوره‌ی بیکاری و عوامل مؤثر بر آن شواهدی از بیکاران جویای کار استان یزد طی برنامه‌ی سوم توسعه. رفاه اجتماعی، ۳۹، ۳۵۶-۳۲۷.
- ۲۱- کرامتی، م.ر. (۱۳۹۳). وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌ی روانشناسی در ایران و کانادا: مورد مطالعه دانشگاه تهران و آلبرتا. پژوهش‌های کاربردی روان‌شناختی، ۳(۵)، ۷۰-۵۵.
- ۲۲- محمدزاده‌نصرآبادی، م.، و پزشکی‌راد، غ.ر.، و چیدری، م. (۱۳۸۵). وضعیت اشتغال، توانمندی شغلی و موفقیت شغلی دانش‌آموختگان آموزش‌های علمی-کاربردی در بخش کشاورزی. پژوهش و برنامه‌ریزی در آموزش عالی، ۱۲(۱)، ۹۸-۷۹.
- ۲۳- ملکوتیان، م.، و پرورش، ع.ک. (۱۳۸۲). بررسی وضعیت اشتغال دانش‌آموختگان رشته‌ی بهداشت محیط سراسر کشور طی سال‌های ۸۲-۷۵. مجله‌ی علمی دانشگاه علوم پزشکی سمنان، ۵، ۴۰-۲۳.

- ۲۴- مؤمنی مهموئی، ح.، و کاظم‌پور، ا. و تفرشی، م. (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی درسی مبتنی بر شایستگی؛ راهبردی مطلوب برای توسعه شایستگی‌های اساسی. *راهبردهای آموزش در علوم پزشکی*، ۴(۳)، ۱۴۹-۱۴۳.
- ۲۵- نصیری، م.، و شیرین‌کام، ف.، و رحیمیان، ب.، و حلاجیان، ک.، و جهانشاهی، م.، و میراحمدی، م. (۱۳۹۳). بررسی وضعیت شغلی، آموزشی و پژوهشی دانش‌آموختگان رشته پرستاری در دانشکده پرستاری فاطمه الزهرا (س) رامسر. *دوفصلنامه‌ی آموزش پزشکی مرکز مطالعات و توسعه‌ی آموزش علوم پزشکی بابل*، ۲(۲)، ۴۹-۵۴.
- ۲۶- Brynin, M. (۲۰۰۲). Graduate Density, Gender and Employment. *British Journal of Sociology*, ۵۳(۳), ۸۷-۳۶۳.
- ۲۷- Carter, r. (۲۰۰۰). Monitoring Employment Trends: It's a Programs Responsibility. *Perspective on Physician Assistant Education*, ۱۱(۲), ۹۵-۹۶.
- ۲۸- Clark, A., Georgellis, Y., & P, Sanfey. (۲۰۰۱). Scarring: The Psychological Impact of Past Unemployment, *Economical*, ۶۸, ۲۲۱-۴۱.
- ۲۹- Gallie, D., & Kostova, P., & Kuchar, p. (۲۰۰۱). Social Consequences of unemployment: An East-West Comparison, *Journal of European Social Policy*, ۱۱(۱) ۳۹-۵۴.
- ۳۰- Kingdon, G., & Knight, J. (۲۰۰۷). Unemployment in south Africa, ۱۹۹۵-۲۰۰۳, causes, Problems and policies. *Journal of African Economies*, ۱۶(۵), ۸۱۳-۸۴۸.
- ۳۱- Korpi. T. (۱۹۹۷). Is utility related to Employment status employment, unemployment, labor markets: policies and subjective well-being among Swedish youth, *Labor Economics*, ۴, ۱۲۵- ۱۴۷.
- ۳۲- Sanyal BC, Notodihadjo H. (۱۹۸۳). *Higher education and labor market in the Java Region Indonesia*. Paris: UNESCO.
- ۳۳- Winkleman, L., & Winkleman, R. (۱۹۹۸) Why are the unemployed so unhappy: evidence from panel data, *Economical*, ۶۵(۲۵), ۱-۱۵.